نکات کلیدی برای کنفرانس امتزاج بین‌المللی شکرگزاری سال ۲۰۲۶

غزل غزل‌ها تصویری اعجاب‌انگیز و گویا در قالب شعر از زندگی یک جوینده مسیح است
که از تجربه تدریجی مشارکت عاشقانه یک ایماندار منفرد با مسیح
برای آماده‌سازی عروس او رونمایی می‌کند؛
کتاب مقدس آشکار می‌کند که خدا انسان شد
تا عاشقانه از ما دلجویی کند و اکنون او می‌خواهد که ما توسط الهی شدنمان برای ابراز او
ازطریق رابطه شخصی، پرمهر، خصوصی و روحانی‌مان با او عاشقانه از او دلجویی کنیم.

خدا کسانی را که در خودشان قوی هستند نمی‌خواهد؛
کسانی که شایسته شمرده می‌شوند تا غالبان باشند، ضعیف‌ترها خواهند بود
آنان که در اصلِ بدن، مطلقاً به خداوند اتکا دارند و عاجزانه در او اعتماد می‌کنند.

ما شخصاً باید هر روز آواز محبوبمان را،
سخن گفتن شخصی، خاص و مستقیم او به خودمان را، بشنویم،
تا آماده شویم که عروس جلیل او باشیم تا او را قادر سازیم که دوباره بیاید و با ما ازدواج کند -
«ای که در باغات می‌نشینی، رفیقان آوار تو را می‌شنوند، مرا نیز بشنوان.»
- غزل غزل‌ها ۸: ۱۳

«وقتی او بیاید، ایمان به امور مسلم تبدیل خواهد شد و ستایش جایگزین دعا.
عشق در کمالی بی‌سایه، تکمیل خواهد شد و ما در آن قلمرو بی‌گناهی، او را خدمت خواهیم نمود.
آن روز چه روزی خواهد بود! خداوند عیسی، زود بیا!»
- واچمن نی

رئوس مطالب پیام‌ها

برای کنفرانس امتزاج بین‌المللی شکرگزاری

۲۶-۲۹ نوامبر ۲۰۲۶

موضوع کلی:

حیات غلبه‌کننده

چنان‌که در غزل غزل‌ها به‌تصویر کشیده شده است

پیام یک

مرحله اول غزل غزل‌ها -

کشیده شدن به پیگیری مسیح جهت رضایت

خواندن کتاب مقدس: غزل غزل‌ها ۱:۱ - ۲: ۷؛ یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ ۲۱: ۱۵-۱۷

۱. «غزل غزل‌ها، که از آن سلیمان است» توصیفی است از تاریخچه روحانی یک عاشق مسیح در ابرازها، کلمات و عبارات شاعرانه؛ این کتاب تصویری شگفت‌انگیز و زنده، در قالب شعر، از زندگی یک جوینده مسیح است که تجربه تدریجی مشارکت عاشقانه یک ایماندار با مسیح را برای آماده کردن عروس او برملا می‌سازد - غزل غزل‌ها ۱: ۱؛ مکاشفه ۱۹: ۷؛ قس. ۱ پادشاهان ۴: ۳۲:

آ. غزل غزل‌ها در تضاد با کتاب جامعه است که نشان می‌دهد تمام تجارب مثبت و منفی «زیر آسمان [خورشید]» «باطل اباطیل» هستند – ۱: ۲-۳.

ب. غزل غزل‌ها تأکید می‌کند که مسیح، غزل غزل‌ها، رضایت رضایت‌ها، برای زندگی انسان است که در مقابل باطل اباطیلِ همه چیزهایی است که «زیر خورشید» هستند.

پ. صرف نظر از آنکه چیزی تا چه اندازه نیک، عالی، شگفت‌انگیز و فوق‌العاده باشد، تا وقتی‌که از خلقت کهنه باشد، بخشی از باطل اباطیل «زیر خورشید» و «در پی باد زحمت کشیدن» است (جامعه ۱: ۱۴)؛ نتیجه‌گیری سلیمان در جامعه این است که قلمرو زندگی انسان مانند نوحه‌ای برای یک انسان سقوط‌کرده است که فرجامش بدبختی است.

ت. تنها خلقت نو که در آسمان‌هاست و نه «زیر خورشید،» بطالت نیست، بلکه واقعیت است؛ «آنچه اهمیت دارد خلقت جدید است» (هزاره نو) – غلاطیان ۶: ۱۵:

۱. خلقت کهنه، حیات و طبیعت الهی را ندارد، اما خلقت نو که ساختار آن از ایماندارانی تشکیل شده است که دوباره از خدا متولد شده‌اند، دارد – ۲ قرنتیان ۵: ۱۷؛ یوحنا ۳: ۱۵؛ ۲ پطرس ۱: ۴.

۲. ازاین‌رو، پولس ما را مکلف می‌کند و می‌گوید، «آنچه را که در بالا است بطلبید، در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته» (کولسیان ۳: ۱) و «در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است» (آ. ۲).

ث. خدا انسان را در صورت خودش آفرید و در او یک روح شکل داد تا انسان او را دریافت کند و او را در برداشته باشد (پیدایش ۱: ۲۶؛ ۲: ۷)؛ همچنین، جامعه به ما می‌گوید که خدا «ابدیت» را در قلب انسان نهاده است؛ «یک حس از مقصودی که به‌طور الهیِ نهاده شده است و در طی عصرها کار می‌کند، حسی که هیچ چیز زیر خورشید، به‌جز خود خدا نمی‌تواند آن را راضی کند» (۳: ۱۱ – Amplified Bible):

۱. ما برطبق تجربه خودمان می‌دانیم که هروقت در رندگی انسانی‌مان موفقیتی داریم، در درونمان احساسی از تهی بودن می‌کنیم؛ این نشان می‌دهد که در درون انسان اشتیاقی برای چیزهای جاودانی وجود دارد.
۲. خدا چنین اشتیاقی، چنین جستجویی، را در قلب انسان نهاده تا انسان خدا را بجوید – قس. اعمال ۱۷: ۲۶-۲۷.
۳. تمام مسرت هر موفقیتی در زندگی انسان پایان خواهد یافت؛ برای هر نوع چیز مادی از حیات فیزیکی یک «روز آخر» وجود دارد – یوحنا ۷: ۳۷.
۴. چیزهای موقتی هرگز نمی‌توانند انسان را راضی کنند؛ تنها خدای جاودانی که مسیح به‌عنوان غزل‌غزل‌هاست می‌تواند حس عمیق مقصود را در قلب انسان راضی نماید – ۲ قرنتیان ۴: ۱۸.

۲. تمام اصول روحانی در پیگیری مسیح ازسوی ما در مرحله اولِ حیاتِ غلبه‌کنندهٔ جوینده در غزل غزل‌ها گنجانده شده‌اند؛ درس‌های بعدی جدید نیستند؛ بلکه درس‌های قدیمیِ هستند که به نحوی عمیق‌تر تکرار شده‌اند – ۱: ۲ – ۲: ۷:

آ. تولد تازه، ژن خدا را به‌درون ما می‌آورد؛ تمام تجارب کل زندگی مسیحی ما در این ژن است – ۱ یوحنا ۳: ۹؛ مرقس ۴: ۲۶.
ب. در اصل، تمام نکات برترِ روحانی در غزل غزل‌ها هم‌اکنون از آن ماست، زیرا آنها در ژن خدا، در بذر خدا، در حیات خدا، هستند که به‌درون ما توزیع شده است و در ما رشد خواهد نمود – رومیان ۸: ۱۰؛ کولسیان ۲: ۱۹.

۳. حیات، یک شخص، خود مسیح، است و هیچ طریق دیگری برای مسرت بردن از این شخص وجود ندارد به‌جز دوست داشتن او – مرقس ۱۲: ۳۰؛ ۱ قرنتیان ۲: ۹:

آ. اگر ما خداوند را بی‌نهایت دوست بداریم، در طی روز از او به‌عنوان درخت حیات مسرت ببریم، بلافاصله کلیسا، صرف نظر از وضعیتش، برای ما فردوس می‌شود – مکاشفه ۲: ۴؛ ۲ قرنتیان ۱۲: ۴ و پانویس ۱؛ لوقا ۲۳: ۴۳-۴۲.
ب. چون خداوند به‌عنوان حیات ما یک شخص است، ما باید با او تماس بگیریم؛ ما به حضور حاضر، به شخص حاضر مسیح، در تمام اوقات نیاز داریم صرف نظر از آنکه در گذشته چقدر او را تجربه کرده‌ایم و از او مسرت برده‌ایم؛ خداوند ما عیسی «مسیحِ اکنون توزیع‌شونده» است – یوحنا ۸: ۱۲؛ فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴.
پ. یوحنا ۱۴: ۲۱ و ۲۳ نشان می‌دهند که پسر، خودش را به عاشقش ظاهر می‌سازد و پدر با او می‌آید تا با عاشق پسرش یک منزل بسازد:
۱. ما باید خداوند عیسی را دوست بداریم و بگوییم، «خداوند عیسی، تو را دوست دارم»؛ همچنان‌که او را دوست می‌داریم، او خودش را به ما ظاهر می‌نماید که یعنی، ما حضور آن یگانه‌ای را که دوست می‌داریم در مشارکتمان با او داریم.
۲. اگر ما عیسی را دوست بداریم، عیسی ما را دوست می‌دارد و پدر هم ما را دوست می‌دارد؛ هنگامی‌که پسر خودش را به ما ظاهر می‌سازد، خودش را برای ما واقعی می‌سازد، پدر با او می‌آید تا منزلی با ما بسازد برای مسرتمان – قس. ۱ قرنتیان ۲: ۱۲-۹.
ت. آغاز عشق هر فرد نسبت به خداوند، بینشی از شخص اوست؛ ما نمی‌توانیم بدون شناخت جدید از خداوند و یک بینش جدید از او ادامه دهیم – اعمال ۲۶: ۱۴-۱۹؛ ۲ قرنتیان ۴: ۶-۷؛ فیلیپیان ۳: ۸-۱۰آ، ۱۳؛ قس. تثنیه ۴: ۲۵.

۴. رابطه ما با خداوند باید شخصی باشد – «مرا بکِش» شخصی است (غزل غزل‌ها ۱: ۴)؛ چون ما شخصاً توسط خداوند کشیده می‌شویم، دیگران ازطریق ما به خداوند کشیده خواهند شد (ارمیا ۳۱: ۳؛ قس. ۲ قرنتیان ۱۱: ۲):

آ. ما باید الگوی آنانی را که رابطه‌ای شخصی با خداوند داشته‌اند دنبال کنیم:
۱. ما باید الگوی ابراهیم را دنبال کنیم که به‌خاطر میل خدا دوست خدا بود – ۲ تواریخ ۲۰: ۷؛ اشعیا ۴۱: ۸؛ یعقوب ۲: ۲۳؛ پیدایش ۱۸: ۳۳-۱.

۲. ما باید الگوی موسی را دنبال کنیم که حضور خدا را به‌طور کامل داشت و برای منافع خدا همراه خدا بود – خروج ۳۳: ۱۱-۱۴.

۳. ما باید الگوی داود و آساف را دنبال کنیم که روی تابان خدا را در خانه خدا و برای آن جستجو می‌کردند – مزامیر ۲۷: ۴، ۸؛ ۸۰: ۳، ۷، ۱۹-۱۴.

۴. ما باید الگوی خداوند عیسی را دنبال کنیم که بی‌وقفه در حضور خدا زندگی می‌کرد؛ هر لحظه روی پدرش را می‌دید – اعمال ۱۰: ۳۸پ؛ یوحنا ۸: ۲۹؛ ۱۶: ۳۲.

۵. ما باید الگوی پطرس را دنبال کنیم که عشقش به خداوند برایش بازگردانده شد تا گوسفندان خداوند را شبانی کند و بدون هیچ اعتمادی به قوت طبیعی‌اش، خداوند را تا به شهادت دنبال کند – ۲۱: ۱۵-۱۹؛ مرقس ۱۶: ۷.

۶. ما باید الگوی پولس را دنبال کنیم که توسط عشق مسیح مقید شده بود تا به‌عنوان سفیر مسیح در شخص مسیح زندگی کند و نزد مسیح پسندیده باشد – ۲ قرنتیان ۲: ۱۰؛ ۵: ۹، ۱۴-۱۵، ۲۰.

ب. اشتیاق جوینده عاشق خداوند برای داشتن شخصی‌ترین تماس با خداوند توسط کلمه «بوسه» ابراز شده است؛ یک بوسه، ابرازی از یک رابطه شخصی با خداوند است، زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند دو فرد را در یک زمان ببوسد – غزل غزل‌ها ۱: ۲.

۵. رابطه ما با خداوند باید پرمهر باشد - «او مرا به بوسه‌های دهان خود ببوسد!» - «مرا ببوسد» پرمهر است – آ. ۲:

آ. مزمور ۲: ۱۲ می‌گوید، «پسر را ببوسید... خوشا به حال همه آنانی که بر او توکل دارند [در او پناه می‌گیرند]»:

۱. پناه گرفتن در پسر، ایمان آوردن به‌درون پسر، مسیح (یوحنا ۳: ۱۶، ۳۶)، و برگرفتن او به‌عنوان پناهگاه، محافظت و مخفیگاه ما است (مزامیر ۱۸: ۱-۲؛ ۳۱: ۱۹-۲۰؛ ۳۴: ۸؛ ۵۷: ۱؛ ۷۱: ۱؛ ۹۱: ۱-۲، ۴، ۹؛ ۱۱۸: ۸-۹؛ ۱۴۴: ۲؛ امثال ۳۰: ۵).

۲. بوسیدن پسر، دوست داشتن پسر و بدین‌وسیله مسرت بردن از اوست – یوحنا ۱۴: ۲۱، ۲۳؛ قس. مزامیر ۹۱: ۱۴.

۳. ایمان آوردن در خداوند، دریافت نمودن اوست (یوحنا ۱: ۱۲)؛ دوست داشتن خداوند، مسرت بردن از خداوندی است که دریافت نموده‌ایم – اینها دو الزام برای شرکت نمودن ما در خداوند است (۱ قرنتیان ۲: ۹؛ قس. ۱۶: ۲۲).

ب. هنگامی‌که ما رابطه‌ای پرمهر با خداوند داریم، او در بسیاری جوانب برای مسرت ما به‌طور کاوش‌ناپذیری غنی می‌شود – افسسیان ۳: ۸؛ ۲: ۷؛ رومیان ۱۰: ۱۲-۱۳:

۱. خداوند که در ما ساکن است، پدر ماست و فیض، مادر ماست –۸: ۱۵-۱۶؛ غلاطیان ۴: ۲۴-۲۶؛ اشعیا ۶۶: ۱۲-۱۳.

۲. خداوند که در ما ساکن است، شوهر ماست – متی ۹: ۱۵؛ ۲ قرنتیان ۱۱: ۲.

۳. خداوند که در ما ساکن است، برادر ماست – یوحنا ۲۰: ۱۷؛ رومیان ۸: ۲۹.

۴. خداوند که در ما ساکن است، دوست ماست – متی ۱۱: ۱۹؛ یوحنا ۱۵: ۱۲-۱۷.

۵. خداوند که در ما ساکن است، مشاور ماست – اشعیا ۹: ۶.

۶. خداوند که در ما ساکن است، شفیع ماست – ۱ یوحنا ۲: ۱.

۷. خداوند که در ما ساکن است، تسلی‌دهنده ماست – یوحنا ۱۴: ۱۶؛ ۱۵: ۲۶.

۸. خداوند که در ما ساکن است، شبان ماست – مزامیر ۲۳: ۱؛ ۱ پطرس ۲: ۲۵.

۶. رابطه ما با خداوند باید خصوصی باشد - «پادشاه مرا به حجله‌های خود آورد» (غزل غزل‌ها ۱: ۴ب)؛ حجله‌های اندرونی پادشاه نشان‌دهنده روح تولدتازه‌یافتهٔ ما به‌عنوان حجله‌های اندرونی مسیح است (۲ تیموتائوس ۴: ۲۲؛ افسسیان ۳: ۱۶؛ ۲: ۲۲):

آ. ما باید با خداوند به‌طور خصوصی در خلوت، به نحوی مشخص و نافذ تماس بگیریم و تمامی وجودمان را برای روشنگری و القای او بر او بگشاییم – متی ۶: ۶.

ب. بالاترین حرفه روی زمین این است که وقت خود را صرف آکنده شدن از خدا کنیم تا بتوانیم با خدا بدرخشیم و خدا را بتابانیم – خروج ۳۳: ۱۱؛ ۲ قرنتیان ۳: ۱۶، ۱۸؛ ۴: ۱؛ قس. متی ۱۴: ۲۳؛ مرقس ۱: ۳۵؛ لوقا ۵: ۱۶؛ ۶: ۱۲؛ ۹: ۲۸.

پ. ما باید مسیح را به‌عنوان مخفیگاهمان، محل سکونتمان و رمز کفایتمان تجربه کنیم و از او مسرت ببریم – مزامیر ۳۱: ۲۰؛ ۲۷: ۵؛ ۹۰: ۱؛ ۹۱: ۱؛ فیلیپیان ۴: ۱۳.

۷. رابطه ما با خداوند باید روحانی باشد (غزل غزل‌ها ۱: ۴ب)؛ مسیح به‌عنوان روح حیات‌بخش در روح انسانی ما (حجله‌های اندرونی پادشاه) ساکن است و این دو روح به‌عنوان یک روح باهم آمیخته می‌شوند (یوحنا ۴: ۲۴؛ رومیان ۸: ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷):

آ. مسیح از ما به نحوی روحانی دیدار می‌کند، زیرا او روح حیات‌بخش در روح ماست؛ روح ما قدس‌الاقداس، حجله‌های مسیح پنوماتیک به‌عنوان خداوند خداوندان و پادشاه پادشاهان، است – ۱۵: ۴۵ب؛ رومیان ۸: ۱۶؛ ۲ تیموتائوس ۴: ۲۲.

ب. برای تماس گرفتن با مسیح و مسرت بردن از مسیح برای بدن مسیح، ما باید روح آمیخته‌شده‌مان را ورزش دهیم – ۱ قرنتیان ۲: ۱۵ و پانویس ۱؛ افسسیان ۱: ۱۷؛ ۲: ۲۲؛ ۳: ۵، ۱۶؛ ۴: ۲۳؛ ۵: ۱۸؛ ۶: ۱۸.

۸. رابطه شخصی، پرمهر، خصوصی و روحانی ما با خداوند موجب می‌شود ما او را برای مقصودش دوست بداریم و ما را به‌درون زندگی کلیسا، به‌عنوان «خانه ضیافت» هدایت می‌کند (غزل غزل‌ها ۱: ۷–۸؛ ۲: ۴)، جایی که می‌توانیم توسط روح دگرگون‌کننده دگرگون شویم و توسط افراد کامل‌کننده در زندگی کلیسا کامل شویم (افسسیان ۴: ۱۱–۱۲)؛ این کامل‌کنندگان(یا «دگرگون‌کنندگان») با روح دگرگون‌کننده هماهنگ می‌شوند تا ما را توسط خدمتگزاری کردن خدای سه‌یکتا به‌درونمان کامل کنند، برای دگرگونی ما توسط صفات خدای سه‌یکتا که به‌درون ما کار می‌شوند تا فضایل ما شوند (غزل غزل‌ها ۱: ۱۰ب–۱۱) جهت بناسازی کلیسا به‌عنوان بدن ارگانیک مسیح برای تکمیل کردن اورشلیم نو (۱ قرنتیان ۳: ۱۲آ؛ مکاشفه ۲۱: ۱۸–۲۱) به منظور به‌انجام رساندن اقتصاد جاودانی خدا.

© 2026 Living Stream Ministry